آیت ماندگار

دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی| شماره ۷۱| نیمه دوم دی ۱۳۹۷| سال چهارم| هشت صفحه| قیمت ۱۰۰۰ تومان| Political, Social| No.71 First of January 2019

www.ayatemandegar.ir

Ayatemandegar
biweekly

درست صحبت کن آقا!

۲و۳

تحلیل «آیت ماندگار» پیرامون جنجال نماینده سراوان در گمرک و حواشی بعدی آن:

به بهانه سال نو میلادی
کریسمس مبارک!
۸

نگاهی به فیلم «دلم می‌خواد»
کمدی لزوماً خنده‌دار نیست
۳

اصفهان زادگاه دیروز و امروزم

یلدا مهری‌اردستانی
داستان‌نویس
۲

اسطوره‌ای که اسطوره‌زدایی می‌کند

اکبر زمانی
روزنامه‌نگار
۳

سرمقاله
روش‌های نادرست اخذ مالیات

مهدی آیتی
نماینده مجلس ششم
۸

نگاهی به جایگاه رسانه‌های سنتی در عصر رسانه‌های مدرن

شکست انحصار!

۲و۳

اعتراض وزارت اطلاعات
به پخش یک فیلم در صداوسیما:

«قلاده‌های طلا» سراسر دروغ و تهمت!

۸

تفحص

اصفهان زادگاه دیروز و امروزم

یلدا مهری اردستانی
داستان‌نویس

تیرماه سال ۱۴۰۶ شمسی بود و خورشید در آسمان اصفهان انگار به زمین چسبیده بود و گرما بیداد می‌کرد. روز جمعه بود و فاطمه و خانواده‌اش برای تفریح به پارک مشتاق در کنار پل خواجو و رودخانه‌ای که دیگر وجود نداشت آمده بودند. کف رودخانه حالا آسفالت شده بود و به جای چمن، شهرداری شن‌های سبز رنگ در محوطه پارک ریخته بود و درختان که حالا خیلی از آن‌ها خشک شده بودند توسط آبیاری قطره‌ای آب داده می‌شدند. اگرچه خانواده‌هایی در جای جای پارک دیده می‌شدند و بچه‌های کوچک سرگرم بازی بودند اما هیچکدام از آن‌ها خوشحال نبودند و آثار غم در چهره همه دیده می‌شد. درست ۱۰ سال و یا ۱۲ سال پیش با اینکه زاینده رود کم آب شده بود اما گاهی آب را باز می‌کردند و فاطمه از صدای خروشان و زیبای آن که از زیر پل خواجو رد می‌شد کیف می‌کرد. او روزهایی را به یاد می‌آورد که آب در قسمت کم عمق پل بر روی بستر سنگ‌های چیده شده در کف پل می‌لغزید و رو به پایین جاری بود و او با پای برهنه همراه با بچه‌های دیگر در آن قسمت راه می‌رفتند و بازی می‌کردند. فاطمه حتی به یاد داشت آن زمان که هنوز کودک بود و در آغوش پدرش سوار قایق می‌شد و به پرندگان مهاجر بر فراز زاینده رود نگاه می‌کرد. حالا خیلی سال از آن موقع گذشته است و خیلی از بستگان پدری و مادری فاطمه از زادگاهشان اصفهان به خاطر بی‌آبی رفته‌اند، بعضی از آن‌ها به شمال کشور رفته و در بابلسر و فومن خانه خریده و ساکن شده‌اند و برخی هم اصلا از ایران مهاجرت کرده و به کشورهای دیگر رفته‌اند. پدر فاطمه هم خیلی دوست داشت با آن‌ها برود اما مادرش یعنی مادر بزرگ فاطمه که پیر و ناتوان شده و با آن‌ها زندگی می‌کند گفته که اصلا دوست ندارد از اصفهان برود و می‌خواهد در آنجا از دنیا برود. ۱۰ سال پیش شهر اصفهان جمعیت زیادی داشت اما این جمعیت کمتر شده، آن‌ها هم که به خاطر بی‌آبی نرفته‌اند پول کافی برای رفتن ندارند. اصلا فرقی نمی‌کند که دیگر تابستان باشد یا زمستان چون فقط شب‌ها آن‌هم تنها دو ساعت خانه‌ها آب دارند و هر کسی کاری دارد باید در این دو ساعت آن را انجام دهد. فاطمه دیده است که خیلی از همسایه‌ها برای آب حتی با یکدیگر دعوا هم می‌کنند و از پدرش شنیده بود که چند ماه قبل دو نفر در خیابان بزرگمهر به خاطر آب دعوا کرده و یکی از آن‌ها کشته شده است. دیگر حتی در باغچه خانه‌ها درخت هم نیست چون همه از بی‌آبی خشک شده‌اند، مردم می‌گویند وقتی آب این قدر گران است چرا باید با آن درخت بکارند زیرا سازمان آب هزینه استفاده از آب را چند برابر کرده و الان دیگر قیمت یک لیتر آب حتی از بنزین و نفت هم گران‌تر است. پدر فاطمه می‌گوید حالا خیلی از مردم می‌گویند اصلا نباید صنایعی مثل ذوب آهن و فولاد در اصفهان به وجود می‌آمد و ساخته می‌شد چون خیلی از آب زاینده رود را می‌خورند و هوا را هم آلوده می‌کنند. او می‌گوید هر کس بیشتر زورش می‌رسد آب را بر می‌دارد و به جاهای دیگر می‌برد که نتیجه آن نابودی زاینده رود و اصفهان بود. فاطمه تا چند سال پیش دوست داشت به پارک کنار رودخانه برود، بازی کند و به روی چمن‌های آن بدود، اما حالا اصلا دوست ندارد به آنجا برود چون اصلا چمنی در آنجا وجود ندارد و پارک قشنگ نیست. این روزها فاطمه خیلی افسرده است او با خود می‌گوید چه کسی زادگاهش اصفهان را که روزگاری به نصف جهان مشهور بود و خارجی‌ها برای دیدنش می‌آمدند به این روز انداخته است.

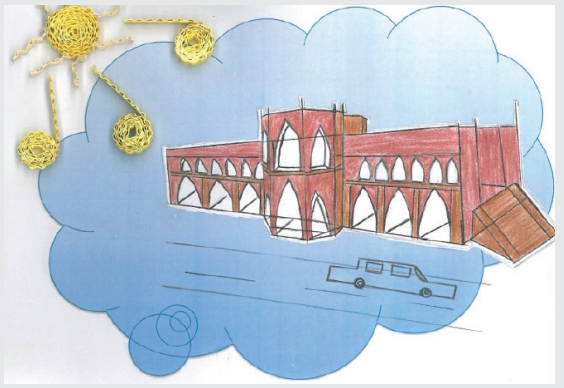

نگاه

نگاهی به جایگاه رسانه‌های سنتی در عصر رسانه‌های مدرن

شکست انحصار!

جهان به کدام سمت در حال حرکت است؟ آیا جهانی را که در آن زیست می‌کنیم کروی شکل است یا مسطح؟! به نظر می‌رسد جهان کروی ما، به یک معنا امروزه مسطح شده است؛ از این جهت که فناوری‌های ارتباطی، جهان‌گستر شده‌اند. فناوری‌های نوین ارتباطی، از طریق ابزارها و نرم افزارهای جدید صورت می‌گیرد و همین امر موجب شده از مرحله نخست تا پایانی کارکرد یک رسانه روی گوشی‌های تلفن همراه به انجام برسد. در این میان روزنامه نگاری نیز دچار تحول گسترده‌ای شده است؛ به عبارت دیگر با پیدایش عصر اطلاعات و فناوری‌های نوین ارتباطی، مسیری تازه پیش پای این حرفه ایجاد شد. خبررسانی نیز در این فضا تغییر کرد و انتشار اخبار و اطلاعات رویکردی جدید یافت. بر این اساس نرم افزارهای موبایلی، خبررسانی و روزنامه نگاری را وارد ساحت جدیدی کرده‌اند. در حالی که در گذشته از تولید به مخاطب می‌رسیدیم اکنون از مخاطب به تولید می‌رسیم زیرا پدیده جدیدی با عنوان «شهروند- خبرنگار» شکل گرفته است و همه مردم می‌توانند تولیدکننده خبر باشند.

جایگزینی رسانه‌ای؛ امکان یا امتناع

سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا رسانه‌های مدرن توانسته‌اند جای رسانه‌های سنتی را بگیرند. در این زمینه البته دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است؛ برخی بر این باورند که رسانه‌های سنتی جایگاه خود را از دست داده‌اند، دسته‌ای دیگر معتقدند که رسانه‌های سنتی در حال از دست دادن جایگاه خود هستند و گروهی نیز اعتقاد دارند که رسانه‌های مدرن هر چند از قابلیت‌های بسیاری برخوردارند اما نمی‌توانند به راحتی جای رسانه‌های سنتی را بگیرند. واقعیت موجود نشان می‌دهد که هنوز هم از رسانه‌های سنتی به اشکال مختلف استفاده می‌شود چون هر رسانه‌ای دارای ویژگی‌های منحصر به فرد خود است که رسانه دیگر آن ویژگی را ندارد. همچنین مرجعیت خبری، صحت و دقت در رسانه‌های سنتی به مراتب بیشتر از رسانه‌های مدرن است؛

راهکار

تحلیل «آیت ماندگار» پیرامون جنجال نماینده سراوان در گمرک و حواشی بعدی آن:

درست صحبت کن آقا!

امیرحسین امیرفیض
روزنامه‌نگار

یک آقایی که گفته می‌شود «نماینده مجلس» است، در اداره گمرک مرکزی به یک کارمند این اداره فحاشی می‌کند. مگر می‌شود؟ نماینده مجلس به مردم فحاشی کند؟ در جواب اعتراض مردم که می‌گویند خاک بر سر اون مملکتی بشه که تو نماینده‌اش هستی بگوید «بله خاک بر سرش بشه»؟! آیا امکان دارد؟ بله می‌شود!

در ویدئو کوتاهی که در فضای مجازی منتشر شده و دست به دست می‌چرخد، محمد باسط درازهی، نماینده سروان در مجلس از کارمند اداره گمرک می‌خواهد که دری را برای او باز کند تا وی از پشت پیشخوان وارد بشود و برود آن پایین! کارمند اداره گمرک کاملاً محترمانه به وی می‌گوید «یکی باید دستورش را بدهد، نمی‌توانیم برادر من! نمی‌توانیم عزیز من! ما از شما دستور نمی‌گیریم که» در اینجا ناگهان نماینده مجلس به کارمند می‌گوید «تو ... می‌خوری که از من دستور نمی‌گیری! تو غلط می‌کنی که از من دستور نمی‌گیری! مرتیکه عوضی!» کارمند در واکنش فحاشی نماینده مجلس می‌گوید «درست صحبت کن آقا خودت غلط می‌کنی» و رو به مردم مراجعه کننده می‌کند و می‌گوید این نماینده مجلس است که این طوری حرف می زند معلوم نیست کی به او رأی داده و یکی از مردم حاضر در اعتراض به بی‌احترامی نماینده به وی می‌گوید «خاک بر سر اون مملکتی که تو نماینده مجلسشی» نماینده محترم مجلس هم خیلی شیک جواب می‌دهد «بله خاک بر سرش» سپس آن مرد مراجعه کننده از میان مردم، نماینده را از اداره بیرون می‌کند. جالب است بدانید اگر این اتفاق در نقاط دیگر دنیا حتی پاکستان روی می‌داد نه تنها آن نماینده مجلس بلکه کل فراکسیون و حزب و مجلس زیر سئوال می‌رفت و احتمالاً آن حزب، نمایندگانش را در مجلس از دست می‌داد و آن نماینده و کل حامیانش مجبور به استعفا می‌شدند. جالب است نمایندگان دیگر مجلس بجای تحت فشار گذاشتن نماینده مذکور به عذرخواهی رسمی و علنی و پخش ویدئو عذرخواهی وی، پشت آن نماینده درآمدند که وی را چهار ساعت در گمرک معطل کردند و با او بد برخورد کردند! چند مسئله در این ادعا تاریک است. اول اینکه نماینده مذکور اساساً در اداره گمرک چه می‌کرده و برای چه به گمرک رفته است؟ آیا برای مأموریتی رفته یا برای ترخیص کالا؟ به مأموریت رفتن وی عقلاً منتفی است چون در صورت به مأموریت رفتن نماینده مجلس اولاً تنها نمی‌رود و ثانیاً حکمی به همراه دارد که اصلاً نیازی به درخواست باز کردن در ندارد!

دوم برای چه از مأمور گمرک می‌خواهد در پیشخوان را باز کند تا وی وارد پشت پیشخوان شود؟ نماینده مذکور می‌خواهد چه یا که را در پشت پیشخوان ببیند؟

سوم فیلم کاملاً و آشکارا نشان می‌دهد تا لحظه‌ای که نماینده شروع به فحاشی نکرده هیچ برخورد بدی با وی نشده بجز مخالفت با درخواست وی برای باز کردن در پیشخوان، چرا نمایندگانی که به حمایت از نماینده فحاش قیام کرده‌اند حقیقت داخل فیلم را وارونه مدعی هستند؟

چهارم نماینده فحاش محترم به چه حقی در برابر مخالفت کارمند به وی علناً توهین می‌کند؟ با اجازه کدام بند و تبصره قانون اجازه دارد خاک بر سر مملکت و مردم کند؟ پنجم جناب آقای علی کرد، نماینده دیگر مجلس که از نماینده فحاش دفاع می‌کنند و طرح استیضاح وزیر اقتصاد برای این اتفاق را دارند، لطفاً به یک سئوال جواب دهند؛ مردم اگر چنین نماینده فحاش و هتاکی را نخواهند چگونه باید طرح استیضاحش را در مجلس مطرح کنند؟

آقای علی کرد می‌گویند نماینده فحاش ۴۰ دقیقه در گمرک معطل شده! معطل شده که معطل شده! مگر بقیه مردم که کار اداری‌شان یک ماه طول می‌کشد و معطل می‌شوند آدم نیستند؟ این دلیل بر فحاشی است؟ می‌گویند برخورد بد با این نماینده شده که در فیلم نیست. اتفاقاً فیلم دقیقاً لحظه شروع درگیری را نشان می‌دهد وگرنه تا پیش از آن نماینده فحاش سر خود را تا گریبان در داخل تلفن همراهش کرده و با نرمی خاصی که نشان می‌دهد درخواست همکاری خارج از روند اداری از کارمند دارد، صحبت می‌کند که با مخالفت کارمند روبرو می‌شود. یک نماینده پارلمان به چه حقی با مردمی که رأی خود، کرسی خود،

زیرا رسانه‌های اصلی دارای سازمان مشخص بوده و به صورت حرفه‌ای عرصه رسانه‌ای را دنبال می‌کنند و باید پاسخگوی مطالب خود باشند اما چنین مساله‌ای چندان برای رسانه‌های مدرن صادق نیست.

رقابت یا رفاقت

در حال حاضر رقابت بیشتر رسانه‌های سنتی و مدرن برای جذب مخاطب بیشتر است؛ چرا که افزایش منابع فرستنده به رقابت رسانه‌ها منجر شده است. رقابتی که در جهت جذب هر چه بیشتر مخاطبان است؛ مخاطبانی که امروزه با ویژگی‌هایی چون متنوع بودن، فعال بودن و گزینشی عمل کردن نسبت به گذشته مشخص می‌شوند. البته به دلیل گستره رسانه‌های مدرن و قابلیت چندرسانه‌ای که دارند نوعی تنوع در آن‌ها دیده می‌شود و همین امر خود جذب مخاطبان را تسریع بخشیده است اما همین گستره به مثابه آفتی برای رسانه‌های مدرن است چرا که شایعه پراکنی، فقدان مرجعیت رسانه‌ای و نداشتن منبع، خود آفتی است که باعث اعتمادزدایی مخاطب در فرایند زمانی می‌شود.

رسانه‌ها به کدام سمت می‌روند؟

برای مدت‌های مدید منازعه‌ای میان رسانه‌های جریان ساز و مخاطبان وجود داشت و مبتنی بر وب ۱ بود که جریان ارتباط یک طرفه در اینترنت است. گوگل، فیسبوک، توییتر و یوتیوب با ایجاد شرایطی، ارتباطی دوسویه بین مخاطبان برقرار کردند که این مرحله وب ۲ است. شاید چنان که کارشناسان این حوزه معتقدند در ۱۰ سال آینده ما شاهد تغییر دیگری به سمت وب ۳ خواهیم بود که بر اساس آن فناوری نوین درک و کیفیت بهتری را در فضای چند پلتفورمی ارائه می‌کنند. به طور طبیعی خبرگزاری‌ها و رسانه‌های اصلی نیز در همین راستا در حال دگرگونی‌های اجتماعی تکنولوژیکی و نرم افزارانه هستند. بر اساس حتی خروجی‌ها و ورودی مطالب و اخبار در خبرگزاری‌ها و رسانه‌های اصلی، بخش‌های تازه‌ای همچون خروجی موبایلی و تبلتی، رایانه‌ای و مکتوب را شامل می‌شود.

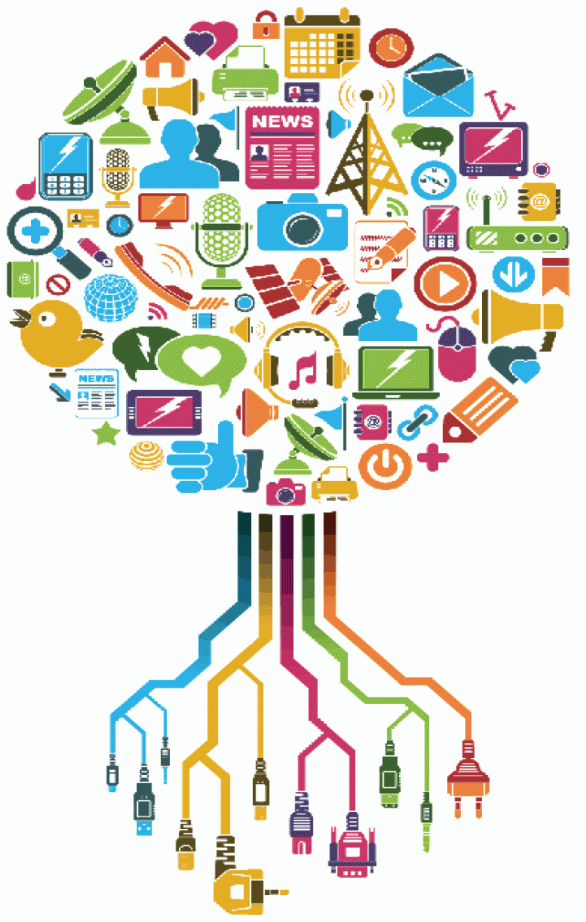

جایگاه خود را از مردم گرفته با آنان این گونه با تبختر برخورد کند. نماینده مجلس حق ندارد فحاشی کند، حق ندارد توهین کند. آن هم به که؟ به مردم! به کسانی که به وی و به امثال او رأی می‌دهند که بروند روی آن کرسی بنشینند و بعد به مردم بگویند خاک بر سرتان! با کدام منطق با کدام عقل با کدام استدلال مدعی دفاع از نماینده فحاش هستید؟ توجه فحاشی نماینده مجلس یک کشور به مردم آن کشور به هیچ نحو و تحت هیچ شرایطی امکان پذیر نیست و رفتاری که نمایندگان در دفاع از این نماینده فحاش انجام می‌دهند هیچ چیز جز فرار به جلو نیست. نمایندگانی که از این عمل قبیح دفاع می‌کنند بدانند که کاملاً در رصد دید مردم هستند و همان کاری را که با نماینده فحاش محترم کردند که از در اداره گمرک بیرونش کردند با آنان نیز خواهند کرد.

می‌گویند نماینده را بیرون کردند ولی نمی‌گویند که مردم حاضر در محل به علت توهینی که نماینده به مردم و کشور کرد بیرونش کردند. آقایان انتظار دارند هر چه دلشان می‌خواهد به مردم بگویند و مردم و برایشان دست بزنند و بالای سر بگذارند و دور بعد هم به ایشان رأی دهند؟ جواب توهین به مردم همین است، چشمانتان را باز کنید و ببینید مردم به کسی بدهی ندارند که ناسزا هم از ایشان بشنوند. شما نوکر ملت‌اید نه ملت نوکر شما!

در کشور ما رسم است وقتی کسی از مسئولان عمل شنیعی انجام می‌دهند، خیلی راحت و شیک کلاً همه چیز را منکر و به جای عذرخواهی مدعی هم می‌شوند و بعد در مواردی این چنینی که فیلم آن هم موجود است، چیزی ورای انکار ارائه می‌کنند و آن اینکه؛ این دسیسه و توطئه و برنامه ریزی از قبل بوده! احتمالاً اگر بشنویم طرح و دست عوامل خارجی در کار است نباید شوکه شویم!

جای تأسف است، واقعاً به رفتار و سخنان این نماینده فحاش خوب دقت کنید و اگر فیلم آن را ندیده‌اید حتماً ببینید. واقعاً ما را چه می‌شود؟ چه بر سر ما آماده؟ به کجا چنین شتابان؟

تفکر

اسطوره‌ای که اسطوره‌زدایی می‌کند

اکبر زمانی
روزنامه نگار

یوسف اباذری، استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران در پژوهشگاه فرهنگ، هنر ارتباطات به همراه دستیارانش به «بررسی انتقادی رابطه اقتصاد و فرهنگ در سپهرهای مختلف جامعه ایران» پرداخت که خواندن و گوش دادن سخنرانی‌اش بر همه کسانی که می‌خواهند فکر کنند واجب است! همچنان که طی سال‌های اخیر اباذری تقریباً در اغلب سخنرانی‌ها و نشست‌ها با فیگور انتقادی نسبت به نئولیبرالیسم سخن راند این‌بار نیز دایره سخنانش هم بر حول محور نئولیبرالیسم بود و با مثال‌هایی جالب توجه آن‌را در ذهن مخاطب روشن می‌کند. نکته جالبی که این‌بار با دقت بیشتری بیان کرد در مورد سوژه‌های نئولیبرالیسم بوده است. به گفته اباذری سوژه نئولیبرالیسم یک سوژه خوش‌گذران، لذت طلب، منفعت طلب و فردگرایی است که می‌بایست در یک رقابت وحشیانه خودش را نجات دهد!

وی با مثال‌هایی به سوژه‌ها پرداخت و به حق باید گفت که درست پرداخت، دقیقاً سوژه‌های نئولیبرالیسم همین خوانندگان، ورزشکاران، رقاصان، مدل‌ها و درکل تمام کسانی که به نام سلبریتی ما آن‌ها را می‌شناسیم، هستند که در یک رقابت وحشیانه‌ای قرار گرفتند. اباذری منتقد فضای موجود است اما این انتقاد را به فضای قبل انقلاب و دوران سلطنت شاه و حتی دوره‌های همچون رضا شاه دارد. وی از اسطوره‌سازی از شخصیت‌ها برای مثال رضاشاه بسیار می‌نالد. اینکه مردم تجربه تاریخی قبل از انقلاب را به درستی به نسل بعد انتقال ندادند اینکه سلاخ خانه‌ای به نام ساواک را آنچنان که باید تشریح می‌کردند، نکردند! و زمانی که بخواهند تشریح کنند مردم در جایی که نئولیبرالیسم بر آن‌ها با همان آیتم‌های لذت و خوش‌گذرانی حاکم است دیگر درک درستی از واقعیت ندارند، زیرا تصورشان در حال حاضر از دوره شاه به هیچ وجه جنبه سیاسی آن نیست، بلکه اگر خواستار دوره‌ای شبیه به قبل انقلاب یا کشوری چون ترکیه هستند فقط به خاطر آزادی اجتماعی است. سلبریتی‌ها نیاز به آزادی سیاسی ندارند زیرا به کارشان نمی‌آید.

اینجاست که افراد اهل اندیشه و فکر از این بی‌خردی موجود به خود می‌پیچند! اباذری با خرد انتقادی‌اش سیلی محکمی روز به روز بر جامعه روشنفکری ایران می‌زند. امیدواریم که افراد به اصطلاح خردورز ایرانی از خواب بیدار شوند.

گیشه

نگاهی به فیلم «دلم می‌خواد»

کمدی لزوماً خنده‌دار نیست

جدیدترین فیلم «بهمن فرمان‌آرا» در مقام کارگران، فیلم «دلم می‌خواد» فیلمی کمدی است که به رغم سال تولیدش ۱۳۹۳ پس از مدت‌ها ممنوعیت در سال جاری به اکران درآمد. آنچه کارگردان و فیلمنامه سعی در پرداختن به آن را دارند، نشان دادن مشکلات اجتماعی در قالبی طنز است. همیشه و به ویژه در دوران‌های حساس ایدئولوژیکی و سیاسی، مطرح کردن و دم از مشکلات مختلف زدن، انتقاداتی تندی را برمی‌انگیزد که شاید تحمل بیان کردن و بازتاب دادن واقعیت جامعه را تاب نیاورند. در نتیجه و در چنین شرایطی استفاده از قالب کمدی و طنز حربه‌ای هوشمندانه و کارا برای بیان چنین مسائلی است. این هوشمندی از جانب فرمان‌آرا استفاده شده تا به دور از برچسب سیاه نمایی مشکلاتی را که دغدغه بیانش را دارد به تصویر بکشد. در صحنه‌ای از فیلم وقتی بهرام فرزانه برای معالجه به دیدن روانپزشکی می‌رود، در مطب او به مردمی متعلق به سه قشر و طبقه متفاوت بر می‌خورد. در اینجا نکته مهمی وجود دارد و آن اینکه این سه قشر به رغم اختلافات فاحش در وضعیت مالی و اقتصادیشان اما در یک نقطه مشترک هستند و آن اینکه حالشان خوب نیست و افسرده هستند؛ و این اشاره‌ای است به وضعیت روانی غم انگیز مردم ایران در آمارهایی که اخیراً از طرف سازمان بهداشت جهانی و سایر سازمان‌های این چنینی مطرح شده و می‌شود. در نتیجه این فیلم کمدی است اما به دلیل مضامینی که مطرح می‌سازد کاملاً خنده‌دار نیست.

نظریه

جایگاه پیونگ یانگ در جنگ تجاری آمریکا و چین

ضلع سوم!

در حالی که «دونالد ترامپ» مدعی شده است که بخش مهمی از مقدمات دیدار دوم وی با «کیم جونگ اون» رهبر کره شمالی رفع شده و تنها تعیین محل دیدار باقی مانده است اما به اعتقاد تحلیلگران چالش‌ها میان واشنگتن و پیونگ یانگ به آن سادگی که رییس جمهوری ایالات متحده فکر می‌کند، قابل حل نیست.

رسانه‌ها خبرهای ضدونقیضی را در مورد ملاقات مقام‌های آمریکا و کره شمالی در ویتنام با هدف تعیین محل برگزاری دومین دیدار ترامپ و کیم منتشر کرده‌اند. روزنامه «گاردین» هم عنوان داشت که ترامپ ادعا کرده است به صورت غیرمستقیم با رهبر کره شمالی رابطه دارد. با این وجود هنوز ابهامات فراوانی در زمینه برگزاری این ملاقات و موفقیت چنین رخدادی وجود دارد. رسانه‌های آمریکایی در زمینه خواسته آمریکا و کره شمالی از یکدیگر آورده‌اند: کاخ سفید اصرار دارد که پیونگ یانگ قدم‌های محکمی را در مسیر خلع سلاح هسته‌ای بردارد و در مرحله نخست اعلام کند که چه نوع و چه تعداد از تسلیحات را در اختیار دارد و اطلاعات مهمی از جزئیات برنامه‌های تسلیحاتی و هسته‌ای خود را برای بازرسی‌ها ارائه نماید. در مقابل کره شمالی تاکید می‌کند به اندازه کافی گام‌های مثبت را برداشته است و اکنون نوبت واشنگتن است تا اعتمادسازی کند و قدم اولیه را در مسیر رفع تحریم‌ها علیه این کشور بردارد. به نوشته گزارش «سی.بی اس نیوز» اگرچه دونالد ترامپ اطمینان دارد قادر است پس از ملاقات دوم با رهبر کره شمالی به توافقی جامع و کلی برای پایان دادن به وضعیت هسته‌ای و تغییر در روابط دوجانبه دست پیدا می‌کند اما تحلیلگران به شدت نسبت به این نکته بدبین هستند که کره شمالی به آسانی از زرادخانه هسته‌ای که در اوج فقر ساخته است دست بکشد. ضمن اینکه توانایی هسته‌ای تضمین اصلی بقای حکومت کیم ارزیابی می‌شود. به تازگی رهبر کره شمالی در سخنرانی خود به مناسبت سال نوی میلادی ایالات متحده را تهدید کرده است اگر تحریم‌های ایالات متحده علیه پیونگ یانگ رفع نشود وی مسیر دیگری را در پیش خواهد گرفت. ترامپ هم در جواب رهبر کره شمالی عنوان داشت که تحریم‌ها تا زمانی که نتایج بسیار مثبتی از تغییر در رویکردهای کره شمالی را مشاهده نکند با قوت هرچه تمام‌تر ادامه می‌یابد. تارنمای شبکه خبری «بلومبرگ» در تحلیل شرایط مبهم میان دو کشور آورده است با وجود این اظهارات دو طرف اما گزینه‌های رهبر کره شمالی محدود است. تحلیلگران اعتقاد دارند اکنون وی سه راه کار در مقابل خود دارد. نخست آنکه آزمایش تسلیحاتی خود را از سر بگیرد یا از گفت‌وگو با ایالات متحده کنار بکشد و در نهایت به سوی پکن متمایل شود. مهم‌ترین گزینه برای کره شمالی از سرگیری اقدامات پیشین است که البته توجیه لازم برای افزایش فشارهای تحریمی و تبلیغات رسانه‌های جهان علیه پیونگ یانگ را پدید می‌آورد. کنار کشیدن از تعامل مستقیم با واشنگتن نیز همان مسیر پیشین است. به باور این شبکه خبری آمریکا، رهبر کره شمالی به مدیریت دیپلماسی شخصی با ترامپ امید بسته است. از اینرو اظهارات امیدوارانه، مشروط‌سازی ها یا سخن گفتن از گزینه‌های دیگر براساس همین رویکرد ارزیابی می‌شود. شبکه بلومبرگ به نقل از تحلیلگران اعتقاد دارند سخنان تهدیدآمیز رهبر کره شمالی به مفهوم آن است که وی گزینه‌ای را برای جایگزینی واشنگتن در ذهن دارد که آن هم چین است. کیم از مسیری تازه‌ای یاد کرده است که می‌تواند باعث صلح و ثبات در منطقه شبه جزیره کره شود.

بررسی

پیامد دوگانگی آمار

هزینه‌های سنگین موازی‌کاری

وجود یک مرجع رسمی و پرهیز از موازی‌کاری در گردآوری و اعلام آمار رسمی کشور امری ضروری و شایسته است و به باور کارشناسان موانعی بر سر راه تحقق این امر وجود دارد که باید رفع شود. در اکثر کشورهای دنیا و به ویژه در جهان توسعه یافته یک مرکز رسمی آمار وجود دارد و کلیه دستگاه‌های این کشورها با استناد به آن اقدام به برنامه ریزی می‌کنند.

اما وجود یک مرجع رسمی تهیه آمار برای کل یک کشور زمانی قابل تصور است که هم قانونی مشخص در این زمینه وجود داشته باشد و هم بین نهادها و دستگاه‌های مختلف بالاترین حد هماهنگی و همکاری بین بخشی وجود داشته باشد. اگر در کشوری این شاخص ضعیف باشد و مرکز گردآوری اطلاعات نتواند و یا نخواهد در زمان مناسب اطلاعات و آمار مناسب مورد نیاز دستگاه‌های مختلف را در اختیار آن‌ها قرار دهد بدون شک امکان هرگونه برنامه‌ریزی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت با مشکل مواجه خواهد شد. مناقشه مرکز ملی آمار و بانک مرکزی در روزهای اخیر نیز از این امر ناشی می‌شود. البته این مناقشه سابقه طولانی دارد و امر تازه‌ای نیست. از یک طرف مرکز آمار به عنوان مرجع رسمی تولید و انتشار آمار بر این امر پافشاری می‌کند که تنها این مرکز است که باید آمارهای رسمی و به ویژه تخصصی را تولید و منتشر کند، از سوی دیگر بانک مرکزی نیز معتقد است که بر اساس قانون حق تولید و انتشار آمار در حوزه تخصصی خود به ویژه اعلام نرخ تورم را دارد.

تاریخچه آمار و آمارگیری در ایران

بنا بر نظر و دیدگاه مورخان و کارشناسان حوزه آمار، آنچه که امروزه به عنوان آمار مشاهده می‌کنیم محصول دنیای مدرن و تشکیل دولت مدرن است. بنابراین از عمر گردآوری و کاربرد آمار به شکل امروزی زمان زیادی نمی‌گذرد و در ایران به شروع دوران پهلوی اول بازمی‌گردد. طبق نظر متخصصان و مورخان، پس از شکل‌گیری دولت مدرن در ایران گردآوری داده‌های گوناگون در مقیاس «سراسری» صورت می‌گرفت تا از این طریق دولت بتواند به ایفای کارکردهای و وظایف خود مانند راه‌اندازی آموزش عمومی، ارائه خدمات بهداشتی و... به نحو شایسته‌ای بپردازد.

در سال ۱۳۰۳ آیین‌نامه‌ای به تصویب رسید و در این آیین‌نامه بخش مسوول آمار و وظایف آن مشخص شد. بر اساس این مصوبه مسوولیت جمع‌آوری و متمرکز کردن آمارهای مورد نیاز به عهده وزارت کشور گذاشته شد. در خرداد سال ۱۳۱۸ اولین قانون سرشماری در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. در اجرای این قانون، سرشماری نفوس از دهم اسفندماه همان سال در شهر تهران و در سال ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ در ۳۳ شهر کشور به تدریج به اجرا درآمد.

در اسفند ۱۳۳۱ سازمان همکاری آمار عمومی تشکیل شد و در فروردین ۱۳۳۲ قانون آمار و سرشماری به تصویب رسید. در این سال اداره آمار و سرشماری از اداره کل آمار و ثبت احوال، منتزع شد و به سازمان همکاری آمار عمومی پیوست. بدین ترتیب برای اولین بار سازمانی که منحصراً وظیفه جمع‌آوری آمار را به عهده داشت، به وجود آمد که در سال ۱۳۳۴ به اداره آمار عمومی، وابسته به وزارت کشور، تغییر نام یافت و این اداره در سال ۱۳۳۵ اولین سرشماری عمومی نفوس را در کل کشور به اجرا درآورد.

با تأسیس اداره آمار عمومی، فعالیت‌های آماری وارد مرحله جدیدی شد و به‌تدریج طرح‌های گوناگون آماری در حوزه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی برگزار شد؛ از جمله: آمارگیری کشاورزی در سال ۱۳۳۹، آمارگیری نمونه‌ای نفوس در سال ۱۳۴۲، سرشماری صنعتی در سال ۱۳۴۲ و آمارگیری بودجه خانوار در سال ۱۳۴۲نیاز روزافزون دستگاه‌های برنامه‌ریزی کشور به آمار و اطلاعات و ضرورت همکاری بسیار نزدیک سازمان اصلی تولیدکننده آمار با دستگاه برنامه‌ریزی موجب شد تا براساس قانون ۱۳۴۴، اداره آمار عمومی از وزارت کشور جدا شود و با نام مرکز آمار ایران به سازمان برنامه و بودجه بپیوندند. هم اکنون جایگاه مرکز آمار ایران در تشکیلات کلان دولت جمهوری اسلامی ایران، در قالب مؤسسه دولتی و وابسته به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشورتعریف شده است. علاوه بر آن، مرکز آمار ایران دارای جایگاه قانونی دیگری نیز با عنوان دبیرخانه شورای عالی آمار(بالاترین مرجع سیاست‌گذاری در زمینه آمارهای رسمی درکشور) به منظور ایجاد هماهنگی و هدایت نظام آماری کشور می‌باشد.

ابهام در قانون، زمینه‌ساز مناقشه

در جلسه کمیسیون تخصصی شورای عالی آمار که روز دوشنبه ۱۷ دی ماه برگزار شد، مصوبه‌ای برای پایان دادن به موازی‌کاری در تولید و انتشار آمار انجام شد. در این مصوبه آمده است:

۱) حذف موازی‌کاری در «تولید و انتشار آمارهای رسمی شاخص‌های قیمت و حساب‌های ملی» به اتفاق آرا تأیید شد.

۲) شاخص‌های قیمت و حساب‌های ملی، آمارهای تخصصی بانک مرکزی(موضوع بند پ. ماده ۱۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور) نیستند و بانک مذکور نباید نسبت به تولید و انتشار آن اقدام کند.

۳) مرکز آمار ایران دستگاه اجرایی اختصاصی تولید و انتشار آمارهای رسمی شاخص‌های قیمت و حساب‌های ملی کشور است. با این حال پس از این جلسه طولی نکشید که بانک مرکزی طی واکنشی اعلام کرد که همچنان به تولید و انتشار آمار در چارچوب وظایف قانونی خود ادامه خواهد داد.

طبق ماده ۱۰ احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور: «به منظور یکپارچه سازی، ساماندهی و رفع موازی‌کاری در نظام آماری کشور:

الف. مرکز آمار ایران مرجع رسمی تهیه، اعلام و انتشار آمارهای رسمی کشور است.

ب. مرکز آمار ایران با همکاری دستگاه‌های اجرایی نسبت به تهیه برنامه ملی آماری کشور مبتنی بر فناوری‌های نوین با رعایت استانداردها و ضوابط تولید و انتشار آمارهای رسمی، استقرار نظام آمارهای ثبتی و استقرار و تغذیه مستمر پایگاه اطلاعات آماری کشور اقدام کند.

پ. دستگاه‌های اجرایی مانند بانک مرکزی مکلف‌اند در حدود وظایف قانونی خود و در چهارچوب ضوابط و استانداردهای شورای عالی آمار ایران، آمار تخصصی حوزه‌های مربوط به خود را تولید و اعلام کنند. در این صورت، آمار منتشره، آمار تخصصی رسمی است.»

بنابراین صاحب نظران بر این باورند که بخشی از این مناقشه ناشی از ابهامی است که در قانون وجود دارد. از یک طرف قانون برای رفع موازی‌کاری در تهیه آمار، مرکز ملی آمار کشور را مرجع رسمی تهیه، اعلام و انتشار آمار می‌داند و از سوی دیگر به نهادی مثل بانک مرکزی اجازه تهیه و اعلام آمار تخصصی مربوط به حوزه مسوولیت خود را نیز داده است؛ اما به صورت مصداقی مشخص نکرده است که برای مثال برآورد و اعلام نرخ تورم در حوزه تخصص بانک مرکزی قرار دارد یا خیر.

در این مورد «جواد حسین‌زاده» معاون مرکز آمار در گفت‌وگویی گفته است: آمار مربوط به تورم و رشد اقتصادی از آمارهای تخصصی بانک مرکزی نیست؛ و طبق مصوبه شورای عالی آمار دیگر نباید این بانک برای انتشار آن اقدام کند، در غیر این صورت بر خلاف آن عمل کرده است. نکته‌ای که مورد توجه کارشناسان قرار دارد این است که آیا مصوبه شورای عالی آمار می‌تواند برای مشخص کردن حد و حدود یک تبصره قانونی کافی باشد، یا این امر نیازمند اصلاح حود قانون است.

هزینه‌های موازی‌کاری در تولید و نشر آمار

کارشناسان بر این باورند که موازی‌کاری‌های آماری همواره هزینه‌های سنگینی با خود به همراه داشته و خواهد داشت. بین آمار و حاکمیت خوب، رابطه مستقیمی وجود دارد. بنابراین اگر موازی‌کاری‌ها منجر به شک و تردید جامعه نسبت به آمار گردد و اعتماد به نهادهای مختلف تضعیف شود و یا از بین برود، اساساً شفافیت و پاسخگویی دستگاه‌های مختلف زیر سؤال خواهد رفت.

تضعیف اعتماد عمومی به آمار به عنوان زیرساخت اصلی برنامه‌ریزی دولت پیامدهای مخربی در پی خواهد داشت. کمترین پیامد آن می‌تواند سرگردانی مسئولان و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران باشد. در حالتی که همزمان آمارهای مختلفی در مورد موضوعی خاص مانند تورم از سوی بیش از یک مرجع اعلام می‌شود و مهمتر از آن، اینکه بین آمارهای اعلامی تفاوت معناداری وجود داشته باشد سیاست‌گذار نمی‌داند که باید بر مبنای کدام برنامه‌ریزی کند. این امر در مورد سرمایه‌گذاران خارجی نیز صادق است.

فرضیه

جایگزین اروپای ناتوان از اجرای برجام متحدان سنتی ایران

تاخیر چند باره در عملیاتی‌سازی «ساز و کار ویژه مالی» از سوی اروپا با هدف خنثی‌سازی تحریم‌های آمریکا، مقامات ایران را به همکاری افزون‌تر با متحدان قدیمی سوق داده است؛ تغییر نگرشی که در جریان سفر اخیر وزیر امور خارجه کشورمان به هند خود را نشان داد. از اردیبهشت ماه که «دونالد ترامپ» رییس جمهوری آمریکا رسماً فرمان خروج ایالات متحده را از برجام صادر کرد، تروئیکای اروپا(بریتانیا، فرانسه و آلمان) به عنوان سه کشور عضو برجام در صدد خنثی‌سازی اثر تحریم‌ها بر تهران برآمدند.

آن‌ها با ارائه راهکارهای مختلف تلاش کردند تا دستکم با تشویق شرکت‌های متوسط و کوچک که پیوستگی کمتری به اقتصاد آمریکا دارند، روابط اقتصادی و بازرگانی با ایران را تسهیل کنند که ساز و کار ویژه مالی یا همان «اس پی وی» (SPV) از آن جمله است؛ سازوکاری که با وجود خوشبینی به کارآمدی آن، اما زمان اجرای آن از سوی اروپا بارها به تاخیر افتاده است. پیشتر «فدریکا موگرینی» مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا تاکید کرده بود که این سازوکار تا قبل از پایان‌یابی سال ۲۰۱۸ میلادی عملیاتی شود اما این اتفاق به وقوع نپیوست. اینک «مایا کوچیانچیک» سخنگوی موگرینی از پیشرفت سران اتحادیه در تدوین سازوکار مورد نظر خبر داده و نسبت به راه اندازی آن در هفته‌های آتی ابراز خوشبینی کرده است. این وعده‌های تکراری اروپایی‌ها اما باعث شده برخی رهبران اتحادیه را به دورویی و بازی با مهره اجرای سازوکار ویژه مالی متهم کنند. به باور کارشناسان حتی با فرض نیت خیر اتحادیه اروپا برای نجات برجام و دور زدن تحریم‌های آمریکا، باز هم رهبران بروکسل در این ماموریت تاکنون موفق نبوده‌اند. در نتیجه ایران بیش از این که چشم به اقدامات اتحادیه بدوزد، چرخش به شرق و توسعه همکاری‌ها با متحدان دیرینه از قبیل چین، هند و روسیه را در دستور کار قرار داده است. «محمدجواد ظریف» وزیر امور خارجه کشورمان که در روزهای گذشته در صدر یک هیات بلندپایه سیاسی ـ اقتصادی وارد دهلی نو پایتخت هند شده بود، سه شنبه (۱۸ دی ماه) در بخشی از اظهارات خود، عملکرد برجامی اتحادیه اروپا را زیر سوال برد و گفت که «اروپایی‌ها تلاش کرده‌اند، اما در حد انتظار ما نتوانستند پیشرفت کنند. ما همکاری خود را از طریق کانال‌های مختلف مثل مورد هند گسترش می‌دهیم.» همچنین توافقی که در حوزه بانکی بین دو بانک «uco» هند و پاسارگاد ایران به امضا رسید، از جمله دستاوردهای این سفر بود.

برجام به عنوان توافقی برد - برد، وظایف و مسوولیت‌هایی را برای هر دو طرف تعیین کرده که بر پایه ۱۴ گزارش «یوکیا آمانو» مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی، تهران تاکنون به وظایف خود عمل کرده است. بنابراین اروپا تا زمانی از تهران انتظار ماندن در توافق هسته‌ای و عمل به وعده‌های برجامی را دارد که رهبران بروکسل نیز در غیاب آمریکا و کارشکنی این کشور به وعده‌های از پیش تعیین شده خود جامه عمل بپوشانند. در غیر این صورت توجیهی برای ماندن تهران در توافقی که آمریکا به آن پشت کرده و تروئیکای اروپا از اعطای امتیازات ملموس ناتوانند، وجود ندارد. به رغم چالش‌ها و مسیر دشواری که پیش روی اروپایی‌ها قرار دارد، انتظار می‌رود که هر چه سریعتر مرحله اجرای سازوکار ویژه‌ای که دو طرف به آن خوشبین هستند، آغاز شود. از نگاه مقامات و مردم ایران آنچه اهمیت دارد «نتیجه» است و حمایت‌های سیاسی اروپا تا زمانی که به راهکارهای ملموس و گشایش‌های اقتصادی منتهی نشود، نمی‌تواند عملکردی رضایت‌بخش باشد.

نظرگاه

رییس کل بانک مرکزی در یادداشتی اینستاگرامی نوشت: امروز به دعوت فراکسیون ولایی مجلس در جمع نمایندگان محترم عضو فراکسیون حاضر شدم. قبلاً جلساتی با فراکسیون‌های امید و مستقلین نیز داشتم. وی در ادامه آورده است: در این جلسه ضمن تشریح برنامه‌های بانک مرکزی برای ایجاد ثبات در بازار ارز و حرکت تعادلی نرخ ارز و نیز کنترل شتاب تورم این خبر را هم اعلام کردم که لایحه حذف چهار صفر پول ملی را به دولت ارائه کرده‌ام و با توجه به عرف چند ده سال گذشته بین مردم پیشنهاد شده هر ده‌هزار ریال فعلی معادل یک تومان و هر تومان معادل یکصد ریال جدید باشد. به باور کارشناسان سابقه این بحث تقریباً به هفت سال پیش و در زمان دولت دهم باز می‌گردد. در آن زمان برای اولین بار با این استدلال که اگر چند صفر از اسکناس‌های ایران حذف شود، بطور قطع ارزش پول ملی ایران در برابر سایر ارزهای معتبر جهان افزایش می‌یابد و با اجرای این طرح قدرت خرید مردم نیز افزایش پیدا می‌کند. کارشناسان معتقدند که این موضوع بدلیل اینکه از عقبه و پشتوانه درست علمی، فکری و اجرایی برخوردار نبود در حد حرف باقی ماند و به مرور فراموش شد. بعد از آن در دولت اول تدبیر و امید مجدداً برای دومین بار داستان کم کردن صفرهای پول کشورمان مطرح شد که باز هم پس از بحث‌های فراوان به دلایلی مشابه کنار نهاده شد. البته در این مقطع دولت پیشنهاد حذف تنها یک صفر را ارائه کرده بود.

رییس کل بانک مرکزی در خصوص پیشنهاد خود نکاتی را نیز مطرح کرده است. از جمله اینکه، حذف صفر به لحاظ حقوقی و فنی یک فرایند زمان‌بر بوده و بر مبنای برآورد کارشناسان، اجرای آن نزدیک به دو سال طول می‌کشد. دیگر اینکه این اقدام در کنار سایر اقدامات اساسی بانک مرکزی برای اصلاح نظام بانکی و به کارگیری ابزارهای نوین سیاست‌های پولی و شیوه‌های جدید و کارآمد نظارت بر بانک‌ها خواهد بود و عملیاتی شدن آن عملاً متاخر بر اصلاحات بانکی خواهد بود. همچنین طبق گفته‌های وی بعد از قانونی شدن، پول‌های جدید به تدریج و با جایگزینی آن‌ها با اسکناس‌های فرسوده قبلی وارد چرخه می‌شوند و هزینه آن قابل مقایسه با هزینه چاپ حجم زیاد اسکناس‌های فعلی نخواهد بود. بعلاوه، اصلاح نرخ برآوری پول ملی از طریق حذف صفرها وجهه پول ملی را در صحنه بین‌المللی ارتقا می‌بخشد و اقدامی است که در بسیاری از کشورها در کنار سایر اقدامات، سرآغازی برای اصلاحات جدی اقتصادی است، و در نهایت اینکه اجرایی شدن آن، نیاز به تصویب دولت و تایید مجلس دارد. بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی و همچنین مردم پول را به عنوان یک وسیله مبادله می‌نگرند. از نظر آن‌ها پول ملی ابزاری است که انجام معاملات را در سطح اقتصاد ملی تسهیل می‌کند، به دولت‌ها در مدیریت مسایل کلان اقتصادی یاری می‌رساند و کشورها را قادر می‌سازد تا از طریق انتشار پول ملی برای خود درآمدهای ناشی از حق نشر کسب کنند. برخی از متخصصان نیز نگاه متفاوت‌تری به پول دارند و برای آن نقشی فراتر از یک ابزار اقتصادی قایل هستند. از دید این گروه پول نه تنها تعاملات اقتصادی را آسان می‌سازد بلکه بر هویت ملی شهروندان نیز اثر می‌گذارد. در نتیجه نشان دهنده مشروعیت ملی دولت نیز هست. بعلاوه، برخی مانند جرج زیمل، جامعه شناس آلمانی پول را یک پدیده اجتماعی در نظر می‌گیرند. وی معتقد است که استفاده از پول بیشتر از آنکه محاسبه عددی باشد تسهیل کننده معاملات اقتصادی است. مبادله میان شهروندان می‌تواند بدون پول هم صورت گیرد، اما این وسیله به شهروندان اجازه می‌دهد تا مبادلات خود را کمی و یکسان سازند. بعلاوه معاملات پولی به شکل‌گیری جوامع نیز کمک می‌کند.

تحقیق

گام جدی دولت در بودجه ۱۳۹۸

تعادل منطقه‌ای

کارشناسان معتقدند در لایحه بودجه ۱۳۹۸ ملزومات ایجاد تعادل منطقه‌ای براساس قانون برنامه ششم توسعه دیده شده اما تحقق کامل این هدف، نیازمند انجام اقدامات بیشتری از جمله تمرکززدایی مدیریتی و افزایش سهم استان‌ها در برنامه‌ریزی است.

به گزارش گروه تحلیل، تفسیر و پژوهش‌های خبری ایرنا، طبق نظر کارشناسان، دولت تلاش کرده است تا در بودجه ۱۳۹۸ به سند بالادستی قانون برنامه ششم توسعه وفادار مانده و در تخصیص اعتبارات میان استان‌های توسعه یافته و کمتر توسعه یافته عدالت را رعایت کرده و در سال پیش‌رو در جهت ایجاد توازن و تعادل منطقه‌ای گام بردارد.

ایجاد تعادل بین مناطق مختلف کشور از نظر سطح توسعه، در چند دهه اخیر ذهن متخصصان، پژوهشگران و برنامه‌ریزان حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی را به انحاء مختلف درگیر خود ساخته است.

به باور صاحب‌نظران تا زمانی که توسعه در هر منطقه‌ای درونی نشود و بر منابع قابل حصول در درون منطقه متکی نگردد، رسیدن به توسعه درون‌زا و پایدار منطقه‌ای امکان پذیر نخواهد بود. در واقع توسعه متعادل منطقه‌ای، صرفاً به مفهوم تساوی در برخورداری از امکانات و مواهب توسعه نیست. به باور آن‌ها توسعه متعادل حاصل ترکیب و تلفیق منطقی دو جزء مهم است: یکی درآمدهای قابل حصول در استان و دیگری نیازها و کمبودهای استان. اولی به قابلیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان متکی است و بخش دوم ناشی از کاستی‌هایی است که بیشتر ریشه در توزیع نامتعادل منابع و روند نامتوازن توسعه کشور در گذشته است.

تعادل بخشی منطقه‌ای صرفاً یک نگاه از بالا به پایین نیست، بلکه فرایندی است مشارکتی و از پایین به بالا که از طریق راهکارهای قانونی پیش بینی شده در درون آن قادر خواهد بود تعادل و توازن بین مناطق مختلف کشور را برقرار سازد.

نگاهی تاریخی به موضوع تعادل و توسعه منطقه‌ای

سابقه این رویکرد به اوایل دهه ۱۳۵۰ هجری شمسی برمی‌گردد که بیانگر تأکید بر نوعی تمرکززدایی در امور اجرایی و عمرانی بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی این دیدگاه ادامه پیدا کرد و زمینه اقدامات و اجرای پروژه‌های بسیاری را در مناطق مختلف کشور، به ویژه مناطق محروم فراهم ساخت. از جمله اقدامات مهم صورت گرفته در راستای ایجاد توازن و تعدیل نابرابری‌های منطقه‌ای می‌توان به مطالعات شناسایی مناطق محروم و مطالعات توسعه جامع استان‌های مختلف کشور اشاره کرد. همچنین از آن زمان به بعد در قالب قانون برنامه‌های مختلف توسعه پیش بینی‌هایی در این خصوص انجام شده است.

ساده‌ترین نمونه توسعه غیرمتمرکز که در عمل آغازگر این روند نیز بود، اجرای طرح‌های خاص ناحیه‌ای از ابتدای برنامه پنجم عمرانی کشور در دوره پیش از انقلاب اسلامی است. در این برنامه برای اولین بار اختیار تصمیم‌گیری برای بخشی از اعتبارات عمرانی کشور که به طرح‌های خاص ناحیه‌ای اختصاص داشت به مراجع استانی واگذار شد تا با تصویب و تأیید نهادهای آن روزگار هزینه شود که همان انجمن‌های استان و شهرستان بودند. پس از انقلاب اسلامی اجرای غیرمتمرکز بخشی از اعتبارات هزینه‌ای و سرمایه گذاری در استان‌ها ادامه یافت اما ساز و کار آن دستخوش دگرگونی بسیاری شد، به این ترتیب که مرجع تأیید و تصویب تصمیم‌های منطقه‌ای به جای نهادهای محلی که با پیروزی انقلاب از بین رفته بود به هیأتی از مدیران دولتی استان و به ریاست استاندار تحت عنوان کمیته برنامه ریزی استان واگذار شد. به اعتقاد متخصصان اقتصادی و توسعه، پس از انقلاب اسلامی محرومیت‌زدایی به منزله رویکرد غالب در توسعه و توازن منطقه‌ای در دهه ۱۳۶۰ شکل گرفت. آن‌ها بر این باورند که فقدان یک دیدگاه علمی و کارشناسی در توسعه منطقه‌ای طی همه سال‌های دهه ۱۳۶۰ و تا ابتدای تهیه و تنظیم دومین برنامه توسعه این فرایند را دستخوش برخوردهای سلیقه‌ای و گاه ابتکارات فردی کرد.

همچنین توسعه غیرمتمرکز و تعادل و توازن منطقه‌ای پیش از برنامه دوم صرفاً بر محور مصرف متمرکز بود و در عمل هزینه کرد غیرمتمرکز

راهکار

محمد فیضی، نماینده اردبیل در گفت‌وگو با آیت ماندگار مطرح کرد؛

افزایش کیفیت، مسیری برای حمایت از خودروهای داخلی

محمد فیضی، نماینده اردبیل در مجلس دهم معتقد است حمایت از کالای ایرانی به دوره خاصی مربوط نمی‌شود و باید با فرهنگ‌سازی، این مسیر را هموار کرد.

وی در ادامه افزود: حمایت از کالای ایرانی و مخصوصاً خودروی ملی تنها با شعار و حرف عملیاتی نمی‌شود و باید مزیت‌های این حمایت به اطلاع مردم رسانده شود. سال‌هاست که خودروسازان ما تلاش خود را به کار بستند تا تنوع، کیفیت و خدمات پس از فروش بهتری را به مردم عرضه کنند که بی‌تردید هرچه این مسیر تداوم داشته باشد، رضایت حداکثری در بین مشتریان ایجاد خواهد شد.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس، گفت: در شرایط کنونی اگر قرار باشد تنها به یک عامل که بتواند اوضاع و احوال کالاهای ایرانی را در بازار بهبود بخشد، اشاره کرد، آن موضوع، کیفیت است. هرچند خرید کالای ایرانی به نوعی حمایت از اقتصاد کشور است اما نباید تنها به این نکته بسنده کرد و از مردم خواست که فقط به خاطر این موضوع، کالای ایرانی بخرند و باید سیاستی از سوی تولیدکنندگان در دستور کار قرار گیرد که خروجی آن محصول، انگیزه مردم را برای خرید کالای ایرانی بیشتر کند.

نماینده اردبیل با اشاره به نقش دولت یادآور شد: امروز دولت باید به کمک تولیدکنندگان بیاید زیرا حمایت از این سرمایه‌گذاران، خدمت به اقتصاد کشور است، اقتصادی که در کنار خودکفایی و ارزآوری می‌تواند اشتغال قابل ملاحظه‌ای را در مملکت ایجاد کند. دولت باید در راستای حمایت از صنعت خودروی داخلی از مراکز تحقیق و توسعه خودروسازان حمایت کند تا شاهد ورود و بومی‌سازی تکنولوژی روز صنعت خودروی جهان باشیم. یکی از مشکلات خودروسازان برای افزایش کیفیت محصولات، پایین بودن کیفیت برخی قطعات تولیدی در داخل است که در این زمینه باید نسبت به به‌روزرسانی خطوط تولید قطعه‌سازان اقدامات لازم صورت بگیرد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: سالانه کلی طرح و بودجه برای اشتغال‌زایی در کشور در نظر گرفته می‌شود که این عمل شایسته تقدیر است ولی به نظر می‌رسد در کنار این موضوع باید به بنگاه‌های اقتصادی مثل خودروسازان و قطعه‌سازان خودرو که سال‌های سال است در اقتصاد کشور فعال هستند، توجه بیشتری شود تا مسیر اشتغال‌زایی راه موفق‌تری را دنبال خواهد کرد. امروز اقتصاد بسیاری از خانواده‌ها به خطوط تولید خودروسازان داخلی گره خورده و اگر

منابع محسوب می‌شد. هیچ گونه نهادسازی برای نهادینه کردن این روند در استان‌ها انجام نشده بود و مناطق در تأمین جزئی‌ترین مصارف توسعه‌ای خود مشارکت سازمان یافته‌ای نداشتند.
با آغاز برنامه دوم از سال ۱۳۷۴ برای اولین بار مقوله درآمدهای استانی به منزله بخشی از منابع تأمین کننده مصارف عمرانی استان در اسناد برنامه ذکر شد و این مفهوم شکل گرفت.
با شروع برنامه سوم و به دلیل تأکید این برنامه بر اصلاحات ساختاری و نهادسازی فرصت برای پی ریزی یک نظام متمرکز برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای به نحوی فراهم شد که هم منابع و هم مصارف را شامل شود، حس مشارکت و مسئولیت‌پذیری منطقه در امر توسعه‌ای را تقویت و تعادل و توازن منطبق و متکی بر قابلیت‌های درونی را برقرار کند. پس از آن در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه نیز به شکل پررنگ‌تری به توازن منطقه‌ای پرداخته شده است. در فصل ششم برنامه چهارم از ماده ۷۲ تا ۸۳ و با عنوان «آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای» و همچنین فصل ششم برنامه پنجم با عنوان «توسعه منطقه‌ای» از ماده ۱۷۸ تا ماده ۱۹۴ با ابعاد و لایه‌های مختلف این موضوع پرداخته شده است و برای دولت وظایف متعددی در نظرف گرفته است.

توسعه منطقه‌ای در بودجه ۱۳۹۸

آخرین اقدام در جهت توسعه منطقه‌ای و ایجاد تعادل و توازن منطقه‌ای از این نظر مربوط به قانون برنامه ششم توسعه است. در ماده ۳۱ اصلاحی لایحه برنامه ششم توسعه به‌منظور رقابت‌پذیر کردن، عدالت بین منطقه‌ای و سرزمینی و تقویت خوداتکایی، افزایش انگیزه وصول درآمدهای استانی دولت را موظف کردند که در این خصوص برنامه‌هایی را به اجرا درآورد. از جمله اینکه در سال اول برنامه سند آمایش سرزمین ملی و استانی را تهیه و پس از تصویب شورای عالی آمایش سرزمین از سال دوم برنامه اجرا کند. همچنین دولت مکلف شد سه درصد از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی خالص و صادرات گاز طبیعی را به‌ترتیب یک‌سوم به استان‌های نفت‌خیز و گازخیز و دوسوم به مناطق و شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته جهت اجرای برنامه‌های عمرانی در قالب بودجه‌های سنواتی با تصویب شورای برنامه‌ریزی و توسعه این استان‌ها اختصاص می‌یابد.
اکنون به نظر می‌رسد که دولت در بودجه ۱۳۹۸ الزامات قانون برنامه ششم توسعه به عنوان یک سند بالا دستی را مورد توجه قرار داده و بنا دارد تا در سال آتی اقداماتی را در راستای ایجاد تعادل توسعه منطقه‌ای به اجرا درآورد. برای نمونه در بودجه ۱۳۹۸ از نظر توزیع استانی، بیشترین سرانه اعتبارات هزینه‌ای برای استان‌های ایلام (۴۶۰ هزار تومان)، کهگیلویه و بویر احمد (۳۵۳ هزار تومان) و خراسان جنوبی (۳۴۷ هزار تومان) است و کمترین سرانه اعتبارات هزینه‌ای استانی مربوط به استان‌های تهران (۵۸ هزار تومان)، البرز (۸۹ هزار تومان) و خراسان رضوی (۱۰۸ هزار تومان) است. همچنین از نظر اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای (عمرانی) بیشترین سرانه اعتبارات عمرانی مربوط به استان‌های بوشهر (۵۳۲ هزار تومان)، کهگیلویه و بویر احمد (۴۸۵ هزار تومان) و ایلام (۴۱۲ هزار تومان) است. کمترین سرانه اعتبارات در این مورد مربوط به استان‌های تهران (حدود ۱۹ هزار تومان)، البرز (حدود ۴۲ هزار تومان) و اصفهان (حدود ۶۲ هزار تومان) است. بنابر این می‌توان به نوعی بین سطح توسعه یافتگی استان و بودجه استانی رابطه‌ای معنادار برقرار کرد. با این حال اگر به استان‌هایی که در میانه‌های این توزیع قرار گرفته‌اند نگاه بکنیم مشخص می‌شود که هنوز تا رسیدن به ایجاد تعادل نهایی فاصله وجود دارد. برای مثال استانی مانند سیستان و بلوچستان که از نظر شاخص‌های توسعه جزو استان‌های توسعه نیافته به شمار می‌رود از نظر سرانه اعتبارات هزینه‌ای با ۱۴۷ هزار تومان در رتبه بیست و سوم قرار دارد. با این وجود میزان سرانه اعتبارات استانی بیانگر توزیع مناسب در جهت ایجاد تعادل و توازن منطقه‌ای است، طوری که اکثر استان‌های کمتر توسعه یافته و محروم از رتبه‌های خوبی برخوردارند. برای مثال استان کردستان و یا سیستان و بلوچستان جزو ده استان اول قرار دارند.
هرچند این آمار و ارقام و رتبه بندی‌ها در بودجه ۱۳۹۸ جای خوشحالی دارد و موجب خوشبینی است، با این حال کارشناسان معتقدند که صرف تخصیص اعتبار نمی‌تواند موجب توسعه استان‌های محروم از یک طرف و ایجاد تعادل و توازن منطقه‌ای از طرف دیگر شود. رسیدن به چنین هدفی نیازمند تمرکززدایی مدیریتی و افزایش سهم بیشتر استان در برنامه‌ریزی با توجه به نیازها و ظرفیت‌های محلی است. از این طریق، زمینه برای مشارکت خود مردم استان در اجرای برنامه‌های توسعه نیز بیشتر فراهم خواهد شد. بدین ترتیب می‌توان نسبت به تحقق توسعه موزون و درون‌زا در سراسر کشور امیدوارتر بود.

شرایط اقتصادی و تحریم‌ها به این صنعت لطمه بزند، معیشت بسیاری از مردم فعال در این حوزه دچار آسیب می‌شود که لازم و ضروری است برای اینکه این اتفاق بوقوع نپیوندد، دولت چتر حمایت خود را بر سر این صنعت نگه دارد.

اشاره

چه کسی از «فتنه ۹۸» سود می‌برد؟

افزایش فشارهای اقتصادی و تنگناهای معیشتی، انعکاس آسیب‌های مدنی، اوضاع نامطلوب و رخدادهای نگران کننده در شبکه‌های اجتماعی، رسوب مطالبات سیاسی سالیان گذشته، بروز اعتراضات کارگری و نارسایی واحدهای تولیدی و خدماتی در تأمین مایحتاج ادامه کار و پرداخت دستمزدها، پیامد چالش‌های اقلیمی از جمله اعتراض کشاورزان خواهان حق آبه مناطق مرکزی و ساکنان نواحی ریزگردخیز غرب و جنوب غربی کشور در کنار تحولات نسلی که نیازها و خواسته‌هایی گسترده را در زمینه سبک زندگی متفاوت با هنجارهای پیشینی، سنتی و حاکمیتی به وجود آورده سبب شده تا بسیاری از نخبگان سیاسی چشم اندازهای پیش روی جامعه را با نگرانی بنگرند. در کنار مؤلفه‌هایی که از آن یاد شد، عوامل مختلف داخلی و خارجی که تشریح آن فرصتی مجزا را می‌طلبد، دست به دست هم داد تا پویایی، امید و سرزندگی که طی سال‌های اخیر و به ویژه در برهه‌های انتخاباتی خرداد ۹۲، اسفند ۹۴ و اردیبهشت ۹۶ شاهد بودیم رو به سردی نهد. در این میان، برخی افزایش فشارها و مشکلات متعدد برای آحاد و اقشار مختلف جامعه و گروهی سرخوردگی مردم از تحقق وعده و شعارهای اعلانی در صحنه‌های مشارکت‌خیز سیاسی را عامل سردی و کرختی موجود می‌دانند. در این میان برخی ناظران از بروز نوعی ناخرسندی و اعتراض نهادین در جامعه سخن می گویند که بر اثر این دو عامل گسترش یافته و افزون بر آن افشای فسادهای خرد و کلان اقتصادی و ناکارآمدی برخی نهادها آن را عمیق‌تر می‌کند. این شرایط سبب شده تا جریان‌های سیاسی، نگرانی خود از آینده و چگونگی جلب اعتماد و کسب آرای مردم را آشکار ساخته و چند و چون ارتباط گیری مجدد با مردم و ترغیب آنان به حضور تعیین کننده پای صندوق‌های رأی را به شکلی جدی مورد توجه قرار دهند. در همین پیوند، طیف‌هایی از اصولگرایان چاره را در ایجاد تشکل‌های جدید و طرح شعارهایی نو، معطوف به نیازهای مردم و غالباً انتقادی می‌جویند. اوضاع کنونی گویا اصلاح طلبان را به شکلی عمقی‌تر نگران ساخته تا جایی که برخی چهره‌های کلیدی و پرسابقه اصلاح طلب گزینه عبور از خود برای تداوم اندیشه اصلاحات را مطرح ساخته‌اند. طرح شعارهایی مبنی بر پایان ماجرای اصلاح طلب - اصولگرا در اعتراضات دی ماه پارسال، چالش‌های پیش‌روی جریان‌های سنتی عرصه سیاست ایران را برجسته‌تر از قبل ساخت و اکنون اوضاع به گونه‌ای است که برخی در قامت کارشناس و در صدا و سیما از مردم درخواست می‌کنند که دیگر «گول اصلاح طلب و اصولگرا را نخورند» در این میان برخی گویا در محیطی کاملاً مجزا از جامعه و خلائی خودساخته، با جدیت، برآمدن از صندوق‌های رأی را هدف‌گذاری کرده‌اند. این در حالی است که مناسبات موجود میان طیف موسوم به «دلواپس»، «تندرو»، «اقتدارگرا» و... با کانون‌های قدرت و ثروت، در مقایسه با رقبا نیاز چندانی را برای دستیابی آنان به مناصب انتخابی ایجاد نمی‌کند. با این حال، این جریان از یک انتخابات تا انتخابات بعدی همه امکانات خود را بسیج کرده و سیاست‌گذاری و موضع‌گیری‌های خود را به شکلی سامان می‌دهد که گویا همه چیز در رقابت بر سر قدرت خلاصه شده و تنها با قرار گرفتن نخبگان این جریان در مناصب و مصادر قرار است گره از هر کار فروبسته‌ای گشوده شود. مهم‌ترین شاخصه این جریان سیاسی رویکرد سلبی است که باعث شد بخش عمده توان رسانه‌ای، تبلیغاتی و عملیاتی آن صرف تخریب رقیبان بالفعل و بالقوه شود. علاوه بر اینکه این طیف به شکلی مزمن با محدودیت‌های کمتری به لحاظ تأیید صلاحیت نامزدها و بهره‌گیری از انواع تریبون‌ها در مقایسه با رقبا برخوردار بوده‌اند.

آیت ماندگار

چهارفصل

طرح جلد:
نیما شاهمیری
کارتونیست

نشان ماندگار
برای پادشاهی که در سرزمین خویش می‌گریزد بزرگان چه گفته‌اند؟
بهرام بیضایی - مرگ یزدگرد

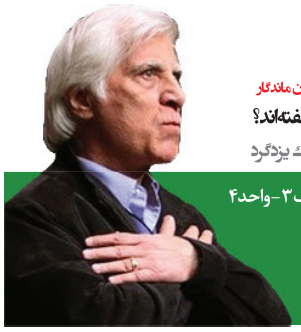

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آیتی
- سردبیر: امیرحسین مصلی
- مدیر هنری: عالیه اعتمادیان
- وب سایت: www.ayatemandegar.ir
- آدرس: تهران - خیابان مطهری - خیابان میرعماد - کوچه نهم - پلاک ۳ - واحد ۴
- تلفن: ۸۶۰۴۳۱۱۲
- چاپ: نقش افست گرافیک
- پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

سرمقاله

روش‌های نادرست اخذ مالیات

با اینکه چهل سال از نظام جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد ولی متاسفانه هنوز روش‌های اخذ مالیات در ایران بسیار ابتدایی، توهین‌آمیز، گمراه‌کننده، نادرست و توام با نارضایتی مردم است. اگر در یک نظرسنجی تصادفی از جامعه مودیان ایران آمارگیری شود خواهیم دید که حداقل ۹۰ درصد مردم از نحوه و شیوه اخذ مالیات ناراضی و مکدر هستند و نمی‌دانند که شکایت خود را باید به کجا ببرند؟ از یک طرف از نظر سازمان مالیاتی و کارمندان آن، بسیاری از مردم در اظهار مالیاتی دروغ می‌گویند مگر آنکه خلاف آن ثابت شود و از طرف دیگر، سازمان مالیاتی هیچ‌گونه سند و مدرک ارائه شده از طرف مودیان اعم از دفاتر پلمپ شده و فاکتورهای هزینه‌کرد و حساب‌های درآمدی را قبول ندارد. چقدر مضحک است که سالیانه هزاران دفتر پلمپ شده از قطع درختان جنگل بوسیله مودیان سیاهه می‌شود و سازمان مالیاتی بدون آنکه بتواند یا بخواهد یک جلد از آن‌ها را ورق بزند همه این دفاتر، بایگانی و در نهایت دور ریخته می‌شود! در سازمان مالیاتی هیچ‌گونه عزت و احترامی برای مودیان قائل نیستند و جواب‌ها معمولاً بی‌ادبانه و سربالاست، در حالی‌که در کشورهای متمدن و پیشرفته، مودی مورد عزت و احترام و تکریم است زیرا مودی کسی است که بوسیله او چرخ اقتصادی و خدماتی مملکت می‌چرخد. امروز با اینکه چهل سال از انقلاب گذشته است، متاسفانه هنوز روش‌های اخذ مالیات در ایران بصورت چکی و علی‌الراس است و اخذ مالیات چه مالیات مستقیم و چه غیرمستقیم، غلط و اشتباه و گاه غیرقانونی و غیرشرعی است و در نهایت موجب لعن، نفرین و نارضایتی از سوی مودیان می‌شود. امید است روزی برسد که چند نفر آدم عاقل و خبره بر مسند سازمان مالیاتی کشور بنشینند و با کسب تجربه و الگوگیری از کشورهای مترقی، یک روش ساده، عادلانه و رضایتمندانه برای اخذ مالیات از مردم را برقرار کنند.

حرف آخر

«قلاده‌های طلا» سراسر دروغ و تهمت!

شبکه افق، شبکه سراسری و شبکه‌های استانی، امسال در سالگرد ۹ دی و برای چندمین بار فیلم «قلاده‌های طلا» را پخش کردند. خبرگزاری ایسنا، عصر روز یکشنبه ۹ دی ماه با انتشار خبری مدعی شد که وزارت اطلاعات به پخش یک فیلم در رسانه ملی واکنش نشان داده است. در این خبر آمده است که یک مقام آگاه در وزارت اطلاعات در پی بازپخش فیلم «قلاده‌های طلا» از رسانه ملی اعلام کرد: متأسفانه امسال هم رسانه ملی علی‌رغم تذکراتی که در سال‌های قبل داده شده بود، این فیلم را پخش کرد.

در ادامه این خبر به نقل از این مقام آگاه گفته می‌شود که «پرداختن هنری به ماجرای فتنه سال ۸۸ اقدام ارزشمندی است اما متاسفانه بخش‌هایی از فیلم که مرتبط با وزارت اطلاعات است، سراسر دروغ‌پردازی و مشحون از تهمت‌های ناروا به مجموعه سربازان گمنام امام زمان(عج) می‌باشد.»

آخرین بخش این گفت‌وگو اما حاوی نکته‌ای است که برخی از آن اطلاع داشتند اما این بار اشاره صریحی به آن می‌شود. این مقام آگاه در ادامه مدعی می‌شود که این کارگردان جزو پرسنل وزارت اطلاعات بوده و به هر دلیل از این وزارتخانه منفصل شده است. نکته‌ای که تا به حال ابوالقاسم طالبی آن را تأیید یا تکذیب نکرده است.

گالری

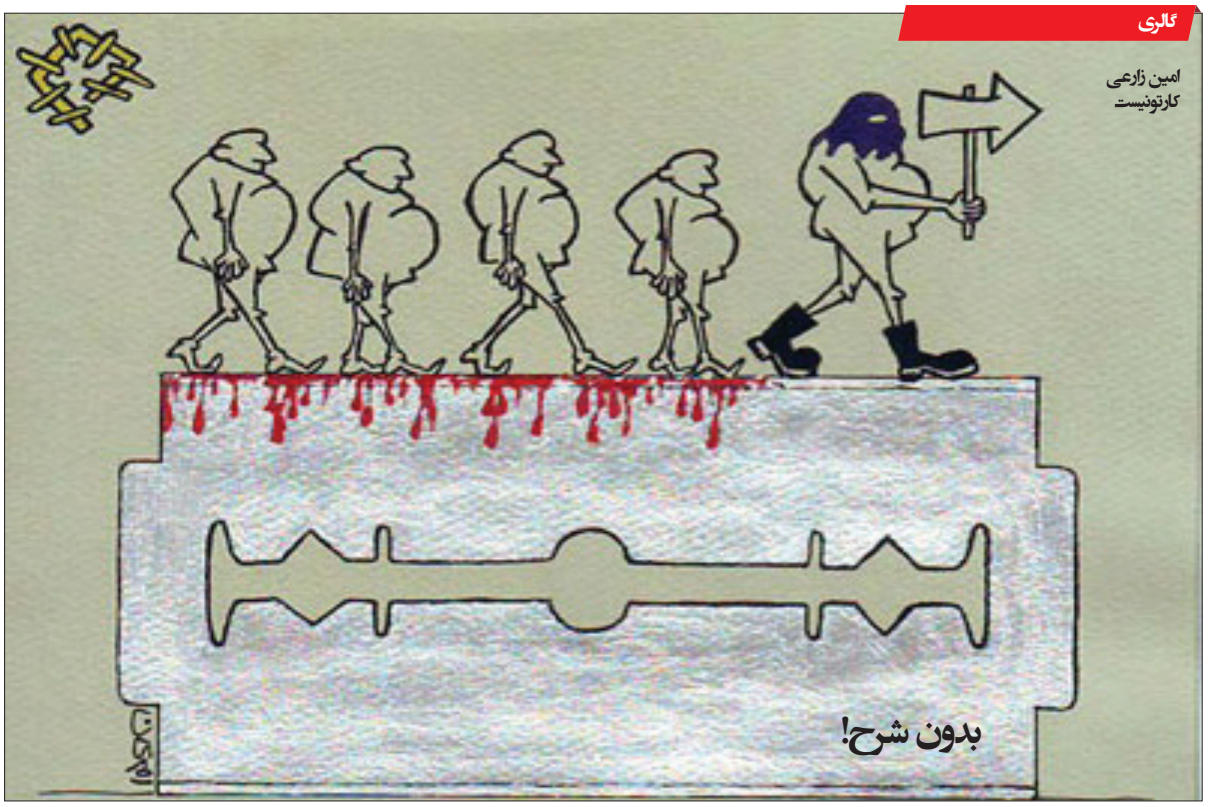

امین زارعی
کارتونیست

یادواره

به بهانه سال نو میلادی

کریسمس مبارک!

جشن کریسمس، تولد عیسی مسیح است که هرساله توسط پیروان آیین مسیحیت زنده نگه داشته می‌شود. آداب و رسوم کریسمس از جمله ویژگی‌های متمایز این جشن هستند و علاوه بر آن نمادهایی همچون درخت کریسمس، جوراب‌های آویزان از شومینه، کادوهای ویژه این روز و... محبوبیت این مراسم را دو چندان و کریسمس را به رویدادی فراتر از باورها و عقاید مردم تبدیل کرده‌اند. همین اهمیت و توجه ویژه به کریسمس سبب شده تا کارناوال نیز در صدد آن برآید تا مطلبی جامع درباره این روز منتشر کند و شما را با آداب و رسوم ویژه کریسمس، تاریخ برگزاری این روز و... آشنا سازد. جشن کریسمس هر ساله به یاد تولد حضرت عیسی(ع) برگزار می‌شود. فرقه‌های مختلف مسیحیت، در تاریخ‌های متفاوتی این جشن را برگزار می‌کنند. جشن کریسمس از روز تولد حضرت عیسی آغاز می‌شود و تا ۱۲ روز به طول می‌انجامد و در ادامه آن، جشن خاج شویان برگزار می‌شود. جشن کریسمس هیچگاه یک جشن کاملاً مذهبی نبوده است. در زمان‌های بسیار دور این روز را یک فستیوال خیابانی می‌دانستند که با مِی خوارگی و بی‌بندوباری بسیاری همراه بود؛ اما این روزها این جشن، به یک مناسبت خانوادگی تبدیل شده است. خانواده‌ها برای فرا رسیدن کریسمس درخت کاج یا نراد را مزین می‌کنند، غذاهای مخصوصی برای این روز تدارک می‌بینند و برای یکدیگر کادو می‌خرند.

مردم هر سرزمینی آداب مخصوص به خود را برای برگزاری کریسمس دارند که به فرهنگ و تاریخشان وابسته است.

شعرخوانی

بیـــا ای جان بیا ای جان بیـــا فـــریاد رس مـــا را
چـو ما را یک نفس باشد نباشی یک نفـــس ما را
ز عشـــقت گـــرچه با دردیم و در هجرانت اندر غـــم
ز عشق تو نه بس باشـــد ز هجـــران تو، بس مـــا را
کـــم از یک دم زدن ما را اگر در دیده خواب آید
غم عشـــقت بجـــنباند به گـــوش اندر جـــرس ما را
لبت چون چشمه‌ی نوش است و ما اندر هوس مانده
کـــه بـــر وصـــل لبـــت یـــک روز باشد دسترس ما را
به آب چشمـــه‌ی حیـــوان حیاتـــی انـــوری را ده
که اندر آتـــش عشـــقت بکشـــتی زین هـــوس ما را

انوری